



معماری صدر اسلام در قلمروی ایالت فارس

تألیف:

علی عسگری

عباس صرامی

اردوان بیدگلی



انتشارات مارلیک

سرشناسه	عسگری، علی، ۱۳۶۵-
عنوان و نام پدیدآور	معماری صدر اسلام در قلمروی ایالت فارس
مشخصات نشر	تهران: مارلیک، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۲۴۶ ص. مصور: ۲۲ × ۲۲ س. م.
شابک	978-964-6130-37-1
وضعیت فهرست نویسی	فیبای مختصر
یادداشت	فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است
شناسه افزوده	صرامی، عباس، ۱۳۶۴-
شناسه افزوده	بیدگلی، اردوان، ۱۳۶۴-
شماره کتابشناسی ملی	۳۷۸۹۹۸۴

این اثر مشمول، قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوبه ۱۳۴۸ است، هرکس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش و یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.



انتشارات مارلیک

WWW.MARLIKART.IR

عنوان: معماری صدر اسلام در قلمروی ایالت فارس

ناشر: انتشارات مارلیک

تألیف: علی عسگری، عباس صرامی، اردوان بیدگلی

ویراستار علمی: سید مهدی هاشمی کاشانی

ویراستار ادبی: ناهید اسدالله زاده، پرستو نقیبی راد

بازخوانی و تصحیح: فرزاد اسدی

طرح جلد: فواد علیجانی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بهاء: ۲۰۰۰۰ تومان

ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۶۱۳۰-۳۷-۱

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلفین است.»

فهرست مطالب

ز		مقدمه
۱۷		فصل اول : ایالت فارس: جغرافیای تاریخی و طبیعی
۱۸		۱-۱- مرزها
۱۸		۱-۲- عوارض طبیعی
۲۰		۱-۲-۱- کوهها
۲۲		۱-۲-۲- رودها
۲۳		۱-۲-۳- دریاچهها
۲۴		۱-۳- آب و هوا
۲۵		۱-۴- تقسیمات خطه فارس
۲۵		۱-۵- مردم فارس
۲۶		۱-۵-۱- خصوصیات ظاهری
۲۶		۱-۵-۲- زبان
۲۸		۱-۵-۳- فرهنگ عمومی
۳۰		۱-۵-۴- مذهب
۳۱		۱-۵-۵- معماری
۳۲		۱-۵-۵-۱- بناهای عمومی
		۱-۶- منابع طبیعی و صنایع دستی
		فصل دوم : فارس و جهان اسلام
۳۷		۱-۲- فارس پیش از ورود اسلام
۳۹		۲-۲- ورود اسلام به فارس

۴۱	۳-۲- صفاریان
۴۴	۴-۲- آل بویه و فارس
۴۴	۲-۴-۱- تاریخ آل بویه
۴۶	۲-۴-۲- اصلاحات و آبادانی‌ها
۴۶	۲-۴-۳- مذهب آل بویه
۴۸	۲-۴-۴- دانش و فرهنگ
۴۸	۲-۴-۵- روحیات و ذهنیات حاکم بر این عصر
۵۳	۲-۴-۶- ریشه های شکوفایی فرهنگی
۵۷	۲-۴-۷- دانشمندان
۵۷	۲-۴-۷-۱- ابوالفضل بن عمید
۵۷	۲-۴-۷-۲- ابوالوفای بوزجانی
۵۸	۲-۴-۷-۳- دانشمندان علوم مختلف
	فصل سوم : جغرافیای معماری فارس
۶۴	۳-۱- کلیاتی از معماری گذشته فارس
۶۴	۳-۱-۱- سیستم های ساختمانی
۶۴	۳-۱-۲- مصالح
۶۶	۳-۱-۳- سازه
۶۷	۳-۲- آباد شهرهای ایالت فارس
۶۷	۳-۲-۱- استخر
۶۷	۳-۲-۱-۱- استخر پیش از اسلام
۷۰	۳-۲-۱-۲- استخر در دوره اسلامی
۷۶	۳-۲-۲- سیراف
۷۸	۳-۲-۲-۱- کاوش‌های صورت گرفته در سیراف
۷۸	۳-۲-۲-۲- معنای محیط شهری عمومی
۹۶	۳-۲-۳- بیشاپور

۹۹	
۱۰۲	
۱۱۱	
۱۱۱	
۱۱۴	
۱۲۳	
۱۲۴	
۱۲۶	
۱۲۸	
۱۳۰	
۱۳۳	
۱۳۸	
۱۴۲	
۱۴۶	
۱۴۹	
۱۵۲	
۱۵۵	
۱۵۶	
۱۵۹	
۱۶۱	
۱۶۳	
۱۶۶	
۱۶۷	
۱۶۹	

۱-۳-۲-۳- باستان‌شناسی بیشاپور

۲-۳-۲-۳- حمام‌های بیشاپور

۴-۲-۳- شیراز

۱-۴-۲-۳- شیراز پیش از اسلام

۲-۴-۲-۳- شیراز در دوره اسلامی

فصل چهارم : آثار شاخص فارس

۱-۴- چهارطاقی

۱-۱-۴- چهارطاقی رباط

۲-۱-۴- چهار طاقی رکناباد

۲-۴- مسجد

۱-۲-۴- مسجد سنگی ایج

۲-۲-۴- مسجد سنگی داراب

۳-۲-۴- مسجد جامع نیریز

۴-۲-۴- مسجد جامع عتیق

۵-۲-۴- خدایخانه مسجد جامع عتیق

۶-۲-۴- مسجد جامع سیراف

۷-۲-۴- مسجد امام حسن

۳-۴- بقعه

۱-۳-۴- امامزاده شاه میر علی حمزه

۲-۳-۴- بقعه سید نورالدین

۳-۳-۴- گنبد عالی

۴-۳-۴- چاه مرتاض علی

۴-۴- قدمگاه

۱-۴-۴- قدمگاه جهرم

۵-۴- ابنیه عام المنفعه

۱۷۲		۴-۵-۱- بند امیر
۱۷۵		۴-۵-۲- بند فیض آباد
۱۷۷		۴-۵-۳- پل کوار
۱۷۹		۴-۵-۴- آسیاب قاریاب
۱۸۱		۴-۵-۵- کاروانسرای زنجیران
۱۸۳		۴-۵-۶- کاروانسرای فتح آباد
۱۸۵		۴-۵-۷- کاروانسرای منوچهر خان مصلو
۱۸۶		۴-۶- قلعه
۱۸۷		۴-۶-۱- قلعه فهندژ
۱۸۹		۴-۶-۲- قلعه ی ایزدخواست
۱۹۳		۴-۶-۳- قلعه پوسکان

فصل پنجم : روند تحول عناصر معماری از دوره ساسانی تا پس از اسلام

۲۰۱		۵-۱- مقایسه تطبیقی چندی از عناصر معماری
۲۰۲		۵-۱-۱- چهار طاقی
۲۰۶		۵-۱-۲- ایوان
۲۰۹		۵-۱-۳- گوشواره
۲۱۷		۵-۱-۴- میان سرا
۲۱۹		۵-۱-۵- آرامگاه
۲۲۳		۵-۱-۶- کاروانسرا
۲۲۸		۵-۱-۷- تزئینات
۲۲۹		۵-۱-۸- سلسله مراتب
۲۳۰		۵-۲- نتیجه گیری
۲۳۰		۵-۲-۱- سیمای عصر
۲۳۱		۵-۲-۲- ویژگی های معماری
۲۳۱		۵-۲-۲-۱- طرحمایه و سلسله مراتب

۲۳۳

۵-۲-۲-۲- سازه، مصالح، تناسبات ، مقیاس

۲۳۵

۵-۲-۲-۳- گونه شناسی و موضع شناسی

۲۳۷

۵-۲-۲-۴- شهرسازی

۲۳۸

۵-۳- سخن پایانی

۲۴۱

کتابنامه

www.ketab.ir

میان فتح ظاهری ایران توسط اسلام تا هضم باطن اسلام توسط ایرانیان چند قرنی فاصله است و این داستان «مسلمان شدن» و «ایرانی ماندن» و آنگونه که به ما مربوط می‌شود «ایرانی ساختن» و «اسلامی بودن» چند قرنی به درازا کشید. درمیان این سال‌ها و آمد و شد حکومت‌ها و سلسله‌های مختلف، از تلاش خلیفه دوم برای تصرف فارس گرفته تا تسلط خلیفه عباسی؛ از حکومت صفاریان تا آل زیار و به همین ترتیب سایر حکومت‌ها، تنها در دوره آل بویه بود که برای اولین بار در ایران پس از اسلام، حکومتی توانست از زیر سلطه و دخالت های اعراب خلاصی پیدا کرده و تا آنجا پیش رود که خلیفه عباسی را دست‌نشانده‌ی ایرانیان گرداند.

همان‌طور که دکتر حسین مقتدری بیان می‌دارد: «دولت آل بویه از نظر قدرت و وسعت قلمرو و بلاخص شکوفایی فرهنگی و تأثیر آن بر فرهنگ ایرانی- اسلامی در ادوار بعدی، از مهم‌ترین حکومت‌های ایران بعد از اسلام است. آل بویه اگر نه به اندازه صفویان، ولی مقدم بر آنان در شکل‌گیری هویت ایرانی بعد از اسلام سهیم بوده و در پیوند دادن اندیشه‌های ملک‌داری ایرانی- اسلامی و بردباری مذهبی و ترویج خردگرایی (شیعی- معتزلی) ایفای نقش کرده‌اند». ولادیمیر مینورسکی بحق این دوره را «میان پرده ایرانی» نامیده است؛ کرم‌ر این‌طور معنا می‌کند: «یعنی حکومتی در فاصله حکومت عرب‌ها که تا قرن چهارم دوام داشته و سلطه ترک‌ها که در قرن پنجم آغاز شد».

در مورد ورود اسلام به ایران، کنش‌ها و واکنش‌ها، جنگ‌ها و صلح‌ها و کشمکش‌ها و درگیری‌ها، بزرگان تاریخ و فرهنگ به تفصیل سخن رانده‌اند، اما در عرصه معماری، این ایستگاه اول کاروان معماری ایرانی- اسلامی همواره در جوی مه آلود باقی مانده است. نبود آثار متعدد و فقر ظاهری آثار این دوره برای عده‌ای و ناخوشایند بودن تاریخی این عصر برای عده‌ای دیگر، بهانه‌ای گشته تا مجال پرداخت به معماری این دوره پر رمز و راز را تنگ و لغزنده سازد. دکتر علی یحیایی در مقاله‌ای علت این بی‌میلی را این‌چنین بیان می‌دارد: «شاید بتوان علت بی‌توجهی پژوهشگران اسلامی و ایرانی را افزون بر کمبود منابع و دشواریاب بودن مطالب، بیشتر در عدم آگاهی آنان از پژوهش‌های انجام یافته از سوی خاورشناسان و نیز کوچک انگاشته شدن بی‌دلیل حکومت‌هایی از این دست در دیده پژوهشگران، در مقایسه با حکومت‌هایی همچون سلجوقیان، صفویه و حتی ایلخانان دانست». هر چند در عرصه‌های عام‌تری چون تاریخ و جامعه‌شناسی نیز کشمکش اهل فن بر سر چگونه نامیدن این قرون همچنان پابرجاست. چنانکه طیف گسترده ابراز عقیده از غم‌انگیز و حتی ننگ آور نامیدن، تا روشنا بخش و پربرکت دانستن این قرون را شامل می‌شود. اما شاید در دیده بانصاف پژوهشگران بی‌طرف و بی‌غرض، این دوره نیز مانند سایر دوران حلقه‌ای

از زنجیر تاریخ در تمام ابعاد خود از حوادث و ماجراها گرفته تا فرهنگ و سیاست، تا تحولات اجتماعی، اقتصادی و البته هنر و معماری است. بنابر این با آنکه بی غرضی شرط عمومی در پرداخت به هر امر تاریخی و مربوط به گذشته است، اما شاید اهمیت آن در بررسی این قرون بیش از هر زمان دیگری ضروری نماید.

در مورد فارس، سایه گذشته پیش از اسلام آن در تمام ابعاد چنان سنگین می‌نماید که این قرون لرزان و محل مجادله را در تاریکی خود پوشانده است. بعد از سقوط ساسانیان، فارس هیچگاه جایگاه پر نفوذ پیش از اسلام خود را در عرصه قدرت و سیاست نیافت، اما به مدد اندیشمندان، شاعران و اهل علم و هنر خود این نفوذ و قدرت را در قالب های معنوی و فرهنگی، باز یافت؛ و دیگر آن جایگاه شهریاران و شاهنشاهان قدیم به اقلیم گل و شعر و دارالعلم و برج اولیا تغییر شهرت داد و از آن پس آنگونه که در گذشته گنجینه‌های شاهان و بسیاری محصولات و ثروت، ماجراجویان و غارتگران عالم را به سمت خود جذب می‌کرد، این بار جاذبه های معنوی آن بود که سرهای پر شور و شوق و دل های جویای معرفت را با کششی درونی به سمت خویش فرا می‌خواند.

تمایز آن گذشته پرفروغ و افسانه‌ای، اما فناپذیر با فروغ کم سو اما جاویدان این اعصار متأخر از کجا ریشه گرفته است؟ سیر این سیر از بیرون به درون را در چه باید دانست؟ و حلقه واسط آن درخشش مستعجل و این «آتشی که نمیرد همیشه» را در کجا باید جستجو کرد؟ اگر با ظرافت و دقت و از نقطه‌ای مشرف بر کلیت تاریخ این سرزمین بنگریم، ریشه این تغییر و تحول را باید در همین چند قرن فراموش شده یافت. آنجا که ملتی از دیروز سرمستی و سرور و در بامداد خواب دوشین آقایی جهان، ناگهان خود را بر تخته پاره‌ای جست که تلاطم خارج از اراده آن، تمامیت وجود و حیثیت تاریخی او را در خطر نابودی همیشگی قرار داده بود و در چنین حالتی، بیم از فراموشی ابدی در غبار تاریخ، مشاعر و حواس او را در برانگیختگی کامل قرار داده بود و در جایی که دیگر توانایی نظامی او تجدیدنپذیر می‌نمود، کارخانه ذهن و دستگاه‌های اندیشه‌ای آن با حداکثر توان خود برای حفظ بقا و اعلام موجودیت خود، به کار مشغول بود.

از عجایب تاریخ این ملت یکی اینست که هرچند سرزمین و آزادی خود را مغلوب فاتحان می‌یافت، اما همزمان در دست این فاتحان خود، گوهری را می‌دید که جوهر وجودی خود را تشنه آن می‌یافت و این گوهر نیز چنان با طبع حقیقت جوی او سازگار افتاد که «آزادی درونی» مایه گرفته از آن را بر «رهایی ظاهری» خود ترجیح داد. این برانگیختگی ناشی از بیم نابودی، وقتی با امید دستیابی به جانمایه سوغات فاتحان درآمیخت، چهره غالب این قرون اولیه را شکل داد. رنج‌های این دوران و شقاوت گروهی از فاتحان، حیات فرهنگی او را از سطح به عمق کشانید و ظرفیت‌های موجود در آیین جدید، زیرین‌ترین لایه‌های اندیشه‌ای او را به چالش کشید و سپس بارور ساخت. این تضادها، این بیم ها و امیدها و این شکست و پیروزی هاست که به سیمای این قرون جذابیتهای خاص می‌بخشد، علل الخصوص آنجا که در جغرافیای پر چاذبه پارس قدیم و یا -از این پس- فارس به زیر ذره بین کشیده می‌شود.

بررسی معماری فارس در این دوره به آن سبب دارای اهمیت است که استان فارس به لحاظ سیاسی و اجتماعی کانون اصلی ایران پیش از اسلام شناخته می شود، لذا نحوه هجوم و ورود و پس از آن استقرار آیین جدید یعنی اسلام، در این ایرانی ترین سرزمین ایران، پیامدها و واکنش‌های آن بر حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی منطقه و کل ایران حائز نکات فراوانی در مورد یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ و به تبع آن- معماری ایران است، از طرفی تقریباً بیشینه آثار معماری پیش از اسلام ایران به لحاظ جغرافیایی محدود به این منطقه از سرزمین ایران هستند، و به لحاظ نقش کانونی که فارس در حوادث سیاسی-اجتماعی قرون اولیه اسلام دارد، بررسی تأثیرات این حوادث بر چهره معماری این منطقه می بایستی روشنبخش نکات ارزشمند و آموزنده‌ای در مورد سیر تحولات معماری ایرانی-ساسانی به معماری ایرانی-اسلامی باشد و کنکاش در آن سؤالاتی اساسی را به ذهن هر پژوهشگری متبادر می سازد:

تأثیر رویدادها و کشمکشهای سیاسی و فرهنگی این عصر بر تلاطم بر چهره معماری این دوران چیست؟

چرا آنگونه که عنوان شکوفایی در شئون زندگی علمی و فرهنگی این عصر صادق است، این شکوفایی در عرصه معماری نمودی ندارد؟

و در نهایت سؤال اساسی اینجاست که جایگاه این عصر در روند جامع پیشرفت معماری ایران، و به تعبیری خاص‌تر معماری ایرانی-اسلامی کجاست؟

در نوشته حاضر، نویسندگان سعی دارند، از طریق بررسی رویدادها و حوادث تاریخی، تحقیق در اوضاع زندگی مردم عصر مذکور و کاوش در آثار معماری سرزمین فارس به جواب پرسش‌های مطرح شده، دست یابد؛ تا در نهایت به چگونگی روند تحول عناصر معماری در نتیجه علل و عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سرزمین فارس پس از ورود اسلام تا دوره تسلط ترکان سلجوقی بپردازد.

این کتاب از پنج فصل تشکیل شده است؛ که در فصل اول با معرفی ایالت فارس و محدوده جغرافیایی مورد بررسی، به شرح برخی از ویژگی‌های طبیعی، جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی آن، با ذکر شواهدی از سفرنامه نویسان و جغرافی دانان عصر مورد نظر پرداخته شده است. در فصل دوم، به ارائه سیمایی از وضعیت، شرایط و حوادث این چند قرن، پرداخته شده که در این مقطع به حوادث تاریخی چون: کشمکش‌های سیاسی-فرهنگی و نیز ظهور و انقراض سلسله‌های مرتبط با ایالت فارس اشاره شده است، با توجه به اهمیت عصر حکومت آل بویه در فارس، به صورت ویژه به این دوره خاص توجه گردیده است. نویسنده در فصل سوم با بیان کلیاتی از معماری گذشته فارس، سعی نموده تأثیر حوادث تاریخی مذکور را بر چهره معماری آباد شهرهای ایالت فارس در قالب سنت‌های ساخت و ساز بومی، ابنیه پیش از اسلام و ابنیه پس از اسلام مورد بررسی قرار دهد. در فصل چهارم، نویسنده با بیان گزیده‌هایی از آثار باقی مانده از عصر مذکور، ذهن خواننده را برای بررسی و تدقیق در روند تحول عناصر معماری آماده می‌گرداند. در نهایت در فصل پنجم، به بررسی جایگاه معماری این عصر در امتداد خط سیر معماری ایرانی و

معماری ایرانی-اسلامی در ایالت فارس و در مقیاسی کلان‌تر یعنی کل ایران، اقدام گردیده که در قالب گزیده‌هایی از عناصر معماری، با بیان معدودی از آثار دوره‌های قبل و بعد به مقایسه برخی مؤلفه‌های معماری این اعصار پرداخته شده است؛ تا به روند بهتر شناختن جایگاه این عصر در روند کلی تاریخ معماری ایران بیانجامد.

در تهیه مطالب این کتاب از منابع مختلفی همچون کتب تاریخی، سفرنامه‌ها، کتب معماری، گزارشات و مقالات اکتشافات تاریخی، دانشنامه آثار و گزارشات میراث فرهنگی و همچنین مقالات متنوعی استفاده گردیده است. در نهایت نویسنده سعی نموده با توجه به مطالب کتاب به بررسی، مقایسه و دست‌یافتن به نتیجه منطقی درباره معماری ایالت فارس در دوره زمانی ورود اسلام به ایران تا عصر سلجوقی بپردازد.

پژوهش حاضر در واقع استمرار پژوهش بهار سال ۱۳۸۹ در مقطع کارشناسی ارشد نگارندگان در دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران ذیل درس سیر اندیشه‌های معماری، تحت راهنمایی استاد فرزانه، جناب آقای دکتر مهدی حجت می باشد که سپاس‌نامه بی‌دریغ خود را نیز در شکل گیری طرح مایه اولیه طرح، تقدیم به این استاد محترم و اساتید گرامی مدعو در سلسله نشست‌های این کلاس همچون؛ دکتر ناصر نوروز زاده چگینی و دکتر هایده لاله هدایایی می دارد که راه را برای اینجانبان در آن میانه روشن گردانیده‌اند. همچنین محبت‌های عالمانه و راهنمایی‌های بی دریغ اساتید بزرگوار همچون دکتر علیرضا عسکری جاوردی و دکتر عمادالدین شیخ الحکمایی و کمک‌های اداره کل میراث فرهنگی استان فارس باعث گردید اطلاعات و داده‌های مستندتری در دست نگارندگان قرار گیرد.

در ادامه سیر توسعه تحقیق از سال ۱۳۹۱ مصادف با فارغ التحصیلی نگارندگان بر دوش این حقیر گذاشته شد، که در این بازه، همکاری علمی دوست عزیزم، جناب آقای سید مهدی هاشمی کاشانی، دلیلی بر نظام یافتگی مطالب و سرانجام دهی به حالت فعلی است که این حقیر، زبان را در پاسخ به محبت‌هایش، ناتوان می‌داند. همچنین جای دارد، از سرکار خانم‌ها، مهندس ناهید اسدالله‌زاده و مهندس پرستو نقیبه‌راد، نیز کمال تشکر را داشته باشم که در بازخوانی، برگردانی متون به ادبیات معاصر و همچنین ویراستاری نهایی کتاب، از هیچ کمکی دریغ ننموده‌اند. نویسندگان اذعان دارد که کتاب، خالی از نقص و خطا نیست؛ بلکه، نارسایی‌ها و مطالب قابل تذکر، فراوان در آن یافت می‌شود. به همین خاطر از مطالعه کنندگان و صاحب‌نظران، درخواست دارد که با یادآوری اشتباه‌ها و کاستی‌ها، ما را رهین منت خود قرار دهند.

علی عسکری و همکاران

تهران، فروردین ۱۳۹۴